

درآمد

کمتر شهروند لبنانی و عرب وجود دارد که ژولیا پطرس، خواننده لبنانی سرودهای ملی و انقلابی را شناسد. ژولیا که یک شهروند مسیحی است، همواره با سرودهایش در کنار مبارزات مردم جنوب لبنان و فلسطین ایستاده است. بر خلاف برخی از خوانندگان عامه پسند لبنان که در رویدادهای اخیر از این کشور فرار کردند، ژولیا در لبنان ماند و با برنامه ها و سرودهای انقلابی خود برای رزمندگان مقاومت حماسه سرایی کرد. او با الهام از نخستین پیام سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله، برای رزمندگان مقاومت، سرودی را اجرا کرد که قصد دارد در آمد حاصل از فروش آن را به خانواده های شهدای لبنان اختصاص دهد. این کار استثنایی و به یادماندنی ژولیا پطرس در مطبوعات و رسانه های لبنان بازتاب گسترده ای داشت. در پی این اقدام، خبرنگار تلویزیون الجزیره درباره این پروژه با ژولیا به گفت و گو نشست. او در این گفت و گو به بینندگان گفت، هنگامی که به سخنان سید حسن نصرالله گوش می دادم، به فکرش رسیده که از مقطعی از بیانات شعرگونه ایشان سرود حماسی بسازد و این اندیشه را با شاعر بزرگ لبنان، غسان مطر (رئیس اتحادیه نویسندگان لبنان)، در میان گذاشت و مورد استقبال و تشویق او قرار گرفت.

ژولیا پطرس فعالیت هنری خود را از دوازده سالگی و با اجرای ترانه «برای مادرم» آغاز کرد. در سال ۱۹۸۵ در واکنش به کشتار زنان و کودکان و کهنسالان لبنان توسط نظامیان رژیم صهیونیستی، ترانه «خورشید حق غروب کرد» را سرود. امیل لحود، رئیس جمهوری لبنان به پاس فعالیت های حماسی و انقلابی و پشتیبانی او از مقاومت مردم لبنان، در سال ۲۰۰۰ میلادی، بزرگ ترین مدال ملی لبنان را به او اهدا کرد. آخرین سرود حماسی ژولیا پطرس که الهام گرفته از بیانات دبیر کل حزب الله لبنان است، چند روزی است که در بیروت به بازار آمده است. او انتظار دارد در آمد فروش لوح فشرده این اثر از یک میلیون دلار فراتر رود.

به نظر شما آیا هنر متعهد که پس از جنگ اخیر حزب الله و اسرائیل دوباره با قدرت احیا شده است، تداوم خواهد یافت یا پدیده ای زود گذر است؟

لبنان همواره با فراز و نشیبها و امواج تکان دهنده روبه رو بوده است. آنچه که پایدار می ماند، هنر اصیل و متعهد است. انسانهای آرمانخواه با باورهای درونی و صحنه های مقاومت و پایداری زنده می مانند. متأسفانه در منطقه ای زندگی می کنیم که از نظر تاریخی و جغرافیایی، همواره شاهد دگرگونیها و فراز و نشیبهای بسیاری بوده است. این دگرگونیها لبنان را تکان داده است و این کشور در دهانه آتشفشانی جوشان قرار دارد. برخی از هنرمندان غیر متعهد، این فراز و نشیبها را نادیده می گیرند. هنرمندان دیگری نسبت به پدیده های اجتماعی و سیاسی احساس مسئولیت و این فراز و نشیبها را موشکافی می کنند تا صحنه های درخشان ایستادگی و مقاومت در برابر متجاوزان را زنده نگه دارند.

حکومت های عربی تا چه اندازه نسبت به رواج هنر متعهد پایبند هستند؟ هنرمندان متعهد و ناشناس در کشورهای عرب تا چه اندازه اجازه دارند برای فعالیت های حماسی و تجلیل از مقاومت، هنر نمایی و در مسائل سیاسی دگرگونی ایجاد کنند؟

اوضاع پس از حمله اسرائیل به لبنان در ۱۲ ژوئیه سال ۲۰۰۶

با رویدادهای پیش از آن به کلی فرق می کند. با پیروزی حزب الله بر اسرائیل، اوضاع جوامع عربی به کلی دگرگون خواهد شد. این رویداد، جوامع عربی را از ریشه دگرگون و واقعیتها را عوض خواهد کرد.

داستان ترانه ای که با الهام از سخنان و پیام آقای سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله به رزمندگان مقاومت اسلامی سروده اید، چیست؟

من هم مانند همه مردم که پیامها و سخنان سید حسن نصرالله را پیگیری می کردم، این پیام را شنیدم. پیامی که ایشان برای مجاهدان قهرمان در جنوب فرستادند، مرا تحت تأثیر قرار داد و به عمق وجودم راه یافت و احساساتم را دگرگون کرد. شاید این پیام، تنها مرا به گریه و انداختن بلکه میلیونها انسان را منقلب کرد. این پیام، اوج عظمت نصرالله را افزون بر آن، تواضع و فروتنی واقعی او را نشان داد. این پیام که آقای نصرالله با لحن خاصی بیان کردند، تکان دهنده بود. ایشان هنگامی که به رزمندگان مقاومت گفتند که دست و پای شما را می بوسم و آنان را رهبر و سرور امت معرفی کردند، از نظر عاطفی و انسانی مردم را تکان و همگان را به عزت و سربلندی و سرافرازی نوید دادند. این پیام بسیار تأثیرگذار بود و من آن را ضبط و بی درنگ از نوار پیاده کردم. به ذهنم رسید که از حزب الله اجازه بگیرم و از پیام سرودی بسازم، لذا از تعابیر و اصطلاحاتی که ایشان در



خواننده مسیحی حماسه سرای لبنانی از رهبر حزب الله می گوید:

## پیام نصرالله، من و همه جهانیان را منقلب کرد...

پیام خود به کار بردند استفاده کردیم و از آن شعری ساختیم:

شما پاسداران جاودانگی درختان کاج قله های لبنان  
و نماد فروتنی خوشه های گندم دشتها  
همانند کوههای سربلند لبنان غرور آفرین  
و در برابر گستاخان نافرمان هستید  
و بر مستکبران می تازید  
پس از خدای متعال، چشم امیدمان به شماس است  
همیشه مایه امیدواری بوده و هستید و خواهید بود  
بر سر تان که انسان را سرافراز کرده است بوسه می زنم  
دستمهایتان را که بر ماشه تفنگ چنگ زده می بوسم  
خداوند با تفنگتان

قاتلان پیامبران را نشانه می رود  
و مفسدان زمین را هلاک می کند  
بر قدمهای استوارتان بوسه می زنم  
نهراسید و ترس به دل راه ندهید  
اگر کوهها از جا کنده شوند  
در سرزمینتان استوار باشید  
شما پیام آقای نصرالله را شنیدید و آن را در قالب شعر  
در آوردید. آن را تغییر هم دادید؟

تنها تغییری که در آن صورت گرفت این است که یکی از  
روحانیون حزب الله با من تماس گرفت و خواست که عبارت  
«و یعنی رأسه القدر» را تغییر دهم. این روحانی از سابقه  
هنری و موضعگیریهای قبلی من تحلیل و قدردانی کرد و  
خواست که احساسات برخی از افراد را رعایت کنم و این  
جمله به جمله «و یسمع صوتنا القدر» تغییر یافت.  
به غسان مطر، شاعری که این شعر را سروده است، درود  
می فرستم و به او تبریک می گویم. من هم از طریق شبکه  
تلویزیونی الجزیره از او تشکر می کنم. هنگامی که این  
پیشنهاد را با او در میان گذاشتم، خیلی اظهار علاقه کرد.  
دوستانم... دوستانم...

پیامتان را شنیدم  
نشانی از ایمان و بزرگواریست  
آنگونه که وعده داده اید  
مردان خدا در میدان کارزار هستید  
شما «وعده صادق» هستید  
پیروزی از آن شماس است  
همچون قله های سربلند  
در برابر یابیگران، نافرمان هستید  
با همت شما اسیران آزاد می شوند  
و زمین آزاد می شود  
شما پاسداران حریم لبنان  
سازندگان تمدن  
و پاسداران ارزشها  
و نماد جاودانگی لبنان  
و سرافرازی امت  
شما رهبر و تاج سر ما هستید  
دوستانم... شما سرور ما هستید  
بر نجابت قدمهایتان بوسه می زنم  
با قدمهایتان شرف ارجمندی می شود  
نهراسید و استوار بمانید  
با مقاومت شما دنیا دگرگون می شود

و سرنوشت، سر تسلیم فرود می آورد  
با پایداری شما آینده ای درخشان می سازیم  
باشما همراه و پیروز می شویم

چگونه می خواهید برای این سرود بازاریابی کنید؟  
ما قصد نداشتمیم که این سرود را به عنوان یک اثر تجاری  
تولید کنیم، زیرا این سرود، هدفمند است. تصمیم قطعی  
گرفتمیم که سود حاصل از فروش آن را میان خانواده های  
شهدای جنگ ژوئیه ۲۰۰۶ توزیع کنیم. در کنار این تلاش،  
یک حساب بانکی افتتاح کرده ایم تا کمکهای مالی را  
جمع آوری و در میان خانواده های شهدای همه مناطق  
لبنان توزیع کنیم.

این کمکها را چگونه توزیع می کنید؟  
درصد تشکیل کمیته ای چند نفره هستیم. طلال سلمان،  
سر دبیر روزنامه السفیر و سلیم الحص، نخست وزیر پیشین  
لبنان موافقت کرده اند که در این کمیته حضور داشته  
باشند. از شخصیتهای دیگری نیز دعوت شده است.  
کمکهای جمع آوری شده و سود خالص این ترانه حماسی  
میان خانواده های شهدا توزیع خواهد شد و اعضای این  
کمیته بر نحوه توزیع در آمد حاصل از این ترانه نظارت  
خواهند کرد.  
مرکز بیروت از نظر جغرافیایی و سیاسی با بخش جنوبی چه  
تفاوتی دارد؟

هر چند که مرکز بیروت روزگاری مهد مرکز فرهنگ و دانش  
و سیاست بوده، اما امروز رنگ دیگری به خود گرفته است.  
مشاهده بیروت با حومه جنوبی آن بیانگر تبعیض زیاد در  
جوامع عربی به ویژه در جامعه لبنان است. هنگام دیدار از  
مناطق گوناگون لبنان می توان تفاوت طبقاتی و تبعیض را  
به روشنی لمس کرد. اگر به مناطق محروم بروید، احساس  
می کنید که با لبنان دیگری مواجه شده اید. جامعه لبنانی  
یکپارچه ای وجود ندارد و اختلافهای طبقاتی و تضادهای  
اجتماعی فراوانند. همزیستی و تنوع دینی و فرهنگی خوب  
است، اما رفتارها با شعارها متفاوت هستند.

در مقایسه با شرایط کنونی، تفاوت موقعیت و مبارزات  
گذشته لبنان را

چگونه می بینید؟  
اگر مردم جنوب  
لبنان و بخش  
جنوبی بیروت که  
نقش به سزایی در  
جنگ گذشته  
داشتند، به من  
اجازه دهند که به  
نمایندگی از آنان  
سخن بگویم،  
می توانم تأکید کنم  
که آنها در ایجاد این  
واقعیت ارزشمند و  
سازندگی آینده ای  
درخشان، نقش  
مهمی را ایفا  
کرده اند. آنها برای  
داشتن زندگی با  
عزت و ساختن

پیام سرودی بسازم.

ایشان هنگامی که به رزمندگان مقاومت گفتند  
که دست و پای شما را می بوسم و آنان را رهبر و  
سرور امت معرفی کردند، از نظر عاطفی و انسانی  
مردم را تکان و همگان را به عزت و سربلندی و  
سرافرازی نوید دادند. این پیام بسیار تأثیرگذار  
بود و من آن را ضبط و بی درنگ از نوار پیاده کردم.  
به ذهنم رسید که از حزب الله اجازه بگیرم و از

آینده ای خوب برای فرزندانمان، از اراده شکست ناپذیر و  
والایی برخوردارند.

پس از برقراری آتش بس، مردم جنوب بی درنگ به خانه ها  
و روستاهای خود بازگشتند. این مردم به سرزمین خود  
پایبند هستند و به زادگاهشان و حیات طبیعی شان عشق  
می ورزند، به آینده درخشان و زیبا برای خود فرزندانمان  
امیدوارند، آرزو دارند که وضعیت عادلانه ای در لبنان برقرار  
شود، حقوق آنان را به رسمیت شناخته شود و دولت از آنان  
حمایت کند. من آرزو دارم که لبنان بازسازی شود و مردم  
آن از رفاه و زندگی با عزت برخوردار شوند. بازسازی و نوسازی  
در لبنان نباید به منطقه خاصی محدود بماند. هر شهروند  
لبنانی آرزو دارد که ساختار شهر و روستایش، نوسازی شود.  
این، حق همه لبنانیهاست که ساختار و امکانات فرهنگی و  
اجتماعی و آموزشی شهرهایشان جدید باشد و دولت،  
خدمات پزشکی و بهداشتی را ارائه کند. همه شهروندان  
لبنانی آرزو دارند که از حقوق مساوی و امکانات برابر رفاهی  
برخوردار باشند.

تبعیض بر هنر و هنرمندان چه تأثیری دارد؟  
هنر انواع گوناگونی دارد و تنها در ترانه سرایی و موسیقی  
خلاصه نمی شود. نقاشی، پیکر تراشی، شعر، ترانه سرایی





صداقت و صراحت و شجاعت، ساخته می شود. لبنان از ۱۵ طایفه مذهبی تشکیل شده است. درست است که تعدد فرقه ای لبنان، عامل غنای فرهنگی و اجتماعی کشور می شود، اما در عین حال مشکلاتی را هم به وجود می آورد. تنوع فرقه ای به جای اینکه همه مردم را یکپارچه کند، در جامعه لبنان شکاف ایجاد کرده است. جنگهای فتنه گرایانه گذشته را آرموده است، اما همدلی و یکپارچگی در جنگ اخیر به روشنی تجلی یافت و مسیحیان از آوارگان شیعه به خوبی پذیرایی کردند. تفاهنامه ای که چند ماه پیش میان میشل عون و سید حسن نصرالله امضا شد، نقش به سزایی در حفظ یکپارچگی و گسترش همدلی مردم لبنان داشت. اگر این تفاهم نبود، احتمال داشت که اوضاع به شکل دیگری باشد. «جریان آزاد ملی» به رهبری عون، نقش برجسته ای در پذیرایی و اسکان آوارگان جنوب بازی کرد. در پی این تفاهم، مسیحیان پذیرفتند که شیعیان را در مناطق خود اسکان دهند.

با توجه به کشمکشهای سیاسی میان دولت مردان، آیا مردم آمادگی پذیرش جنگ داخلی دیگری را در لبنان دارند؟ شکی نیست که مردم جنگهای داخلی گذشته را پشت سر گذاشته اند و به فکر آینده میهن و فرزندان نشان هستند. عوامل برانگیختن فتنه تا آخرین لحظه جنگ اسرائیل برضد لبنان وجود داشت، اما مردم با حفظ وحدت و یکپارچگی، توطئه های اسرائیل را خنثی کردند. آنها همواره نگران توطئه های اسرائیل هستند و لازم است که برای رویارویی با این توطئه ها در حال آماده باش به سر ببرند.

آیا احساس می کنید که هنرمندان و خوانندگان ترانه های احساساتی در آینده به سرودن ترانه های حماسی و انقلابی روی آورند؟ معتقدم که باید «کار را به کار دان سپرد». ضرورتی ندارد که هنرمندان در فعالیتهای سیاسی دخالت یا برای ورود به پارلمان تلاش کنند. نمایندگان که در مجلس حضور دارند تاکنون کارمشتی انجام نداده اند و وضع موجود را دگرگون نکرده اند، چه رسد به این که خواننده یا هنرپیشه ای به پارلمان راه یابد! شاید یک خواننده با اجرای برنامه های حماسی و سرودهای انقلابی بتواند وضع موجود را دگرگون کند.

تعداد بسیاری از هنرمندان عرب به سمت سفیران افتخاری سازمان ملل متحد برگزیده شدند و به امور پناهندگان و مسائل کودکان می پردازند. آیا تاکنون چنین پیشنهادی به شما شده است؟ خیر!

### چرا؟

شاید تا کنون اهداف خیرخواهانه نداشته ام!! شاید تاریخچه فعالیتهای هنری من برای آنان دلچسب نبوده است! شاید اهدافم از نظر آنان بد بوده است! پیش بینی نمی کنید که سازمان ملل ناچار باشد در آینده به خاطر رعایت مسائل سیاسی و انسانی و فرهنگی نقش بیشتری به هنرمندان عرب بدهد؟ اگر چنین پیشنهادی به شما شود می پذیرید؟

در هر موقعیتی که بتوانم به انسانهای دنیا، به ویژه شهروندان عرب خدمت کنم، بی درنگ چنین پیشنهادی را می پذیرم. علاقه دارم در مسائل اجتماعی و انسانی هنرمندی فعال باشم و در حاشیه قرار نگیرم. با توجه به اینکه شما با جرئت و صراحت سخن می گوئید، ارزیابیتان از جایگاه هنر، موسیقی و ترانه سرایی در جهان عرب چیست؟

در حال حاضر می توان هنر ترانه سرایی را به چهار بخش تقسیم کرد:

۱. خیلی نامطلوب
۲. اندکی نامطلوب
۳. کمی خوب
۴. نه چندان خوب

به قول معروف «شهر فرنگ است و از همه رنگ است». شکی نیست که پدیده بی بندوباری در میان هنرمندان عرب بیداد می کند.

در سالهای اخیر، آیا هنر در جهان عرب شکوفا شده یا رو به انحطاط نهاده است؟

به بی بندوباری و برهنگی که هنر گفته نمی شود، هنر در جهان عرب در حال انحطاط است و ما به طور کلی هنر متعهد نداریم. اگر ده کار هنری را دسته بندی کنیم، هفت اثر زیر حد مطلوب هستند.

علت این انحطاط چیست؟

یکی از دلایل این انحطاط به نقش هنرمندان ارتباط دارد. هنرمندان، رسانه ها و شرکتهای تولید کننده، همه مقصرند. این را نمی توان هنر نامید، بلکه به ویژه در میان زنان هنرمندان، ابتذال به تمام معنای کلمه رواج دارد. اکنون زن به صورت کالا درآمده است، رسانه ها و شرکتهای تولید کننده، هنر مبتذل را به بازار تزریق می کنند و هنر متعهد و مطلوب بسیار اندک است. در مجموع، هنر در حال انحطاط است. تلویزیونهای ماهواره ای نقش زیادی در ارائه هنر مبتذل و منحط دارند. افشار وسیعی از بینندگان هم این گونه هنر را می پذیرند.

چگونه می توان از گسترش هنر مبتذل جلوگیری کرد؟ آیا این پدیده در آینده گسترش خواهد یافت؟ تا زمانی که طرز تفکر «دم غنیمتی» به صورت نسبی همگانی شده باشد، هنر مبتذل و منحط ادامه خواهد داشت.

پروژه جدیدتان را چگونه پیش بینی می کنید؟ کدام مؤسسه این پروژه را بازاریابی خواهد کرد؟

شخصاً اجرای این پروژه را به عهده دارم، اما برای توزیع این اثر هنری دنبال شرکت توزیع کننده هستم. برخی از شرکتهای توزیع کننده به دلایل سیاسی و این که این پروژه تجاری نیست، از توزیع آن خودداری کرده اند و خیلی از شرکتهای به این اثر هنری علاقه ای نشان نداده اند. ■

و عکاسی بخشی از هنر هستند. هنرمند نباید فقط واقعیتهای جنگ، خرابی، شهادت و پیروزی را بیان کند. زندگی ابعاد و معانی گسترده تری مانند عشق و زیبایی دارد. هنر می تواند مشکلات و ناملازمات انسان را بیان کند. هنر یک ارزش تکامل یافته است و ضرورتی ندارد که هنرمند، جهت گیری یکسان و یکنواختی داشته باشد. هنرمند باید به همه ابعاد و معانی زندگی متعهد باشد.

در شرایط کنونی، هنرمندان متعهد، مخصوصاً در مسائل سیاسی چه خواسته ای دارند؟

مهم ترین خواسته آنها این است که دولت مردان راستگو و صادق باشند، با صراحت مسائل و مشکلات را بیان کنند،

### تفاهنامه

تفاهنامه ای که چند ماه پیش میان میشل عون و سید حسن نصرالله امضا شد، نقش به سزایی در حفظ یکپارچگی و گسترش همدلی مردم لبنان داشت. اگر این تفاهم نبود، احتمال داشت که اوضاع به شکل دیگری باشد. «جریان آزاد ملی» به رهبری عون، نقش برجسته ای در پذیرایی و اسکان آوارگان جنوب بازی کرد. در پی این تفاهم، مسیحیان پذیرفتند که شیعیان را در مناطق خود اسکان دهند.

توطئه گر نباشند، به قولی که به مردم می دهند عمل کنند و بر خلاف اراده مردم تصمیم نگیرند. وقت آن رسیده است تا آنها با صداقت و صراحت عمل کنند. اکنون همه مسائل، دسته بندی شده اند. مردم هم دسته بندی شده اند و موقعیت هر فرد در هر گروهی روشن شده است و ضرورت ندارد به یکدیگر دروغ بگوئیم. من به عنوان یک شهروند لبنانی آرزو دارم که میهنم سربلند و شکوفا باشد. میهن با